

کتاب ایوب

جلسه ۲۲: گفتار خدا ۲، بهیموت و لویاتان

و واکنش ایوب (ایوب ۴۰:۶-۴۱:۳۴)

نوشته جان والتون

این جان والتون و تعلیم او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۲، گفتار خدا ۲، بهیموت و لویاتان، و پاسخ ایوب است، ایوب ۴۰:۶-۴۱:۳۴.

مقدمه‌ای بر کلام خدا ۲ [۱:۱۲-۰۰:۳۱]

حالا بالاخره به دومین سخنرانی یهوه می‌رسیم. قرار است از جهل انسان‌ها فراتر برویم تا واقعاً به این ایده برسیم که قرار است مردم چگونه فکر کنند. جالب است که این پیام اصلی کتاب در بخشی از کتاب است که غیرقابل دسترس‌ترین و گیج‌کننده‌ترین بخش در نظر گرفته شده است، و اساساً، مردم فقط دست‌هایشان را بالا می‌برند و می‌گویند نمی‌دانند با آن چه کار کنند. با این حال، این دقیقاً شامل این است که کتاب می‌خواهد ما چگونه فکر کنیم. قرار است با آن کمی سرگرم شویم.

یهوه سخن می‌گوید [۱:۱۲-۲:۳۱]

بیایید نگاهی بیندازیم. این با معرفی دومین سخنرانی خدا در آیه ششم از فصل ۴۰ شروع می‌شود. و دوباره، یهوه از میان طوفان سخن می‌گوید. اگر به آن اشاره نکرده‌ام، اینجا را به خاطر داشته باشید، یهوه صحبت می‌کند. این الوهیم نیست. این شدای نیست. این آدونای نیست. این یهوه است که صحبت می‌کند. ما یهوه را در مقدمه داشتیم و حالا در پایان سخنرانی‌های یهوه را داریم. باز هم، این به ما حس اسرائیلی می‌دهد. ایوب از الشدای صحبت کرده است، اما این یهوه است که برای روشن شدن می‌آید. و بنابراین، جالب است که یهوه صحبت می‌کند. بنابراین، چند سطر اول او را در این خطاب به ایوب می‌خوانیم: «مثل یک مرد آماده باش؛ من از تو می‌پرسم و تو به من پاسخ خواهی داد» [۴۰:۷]. البته، ایوب کسی بوده که سوال می‌پرسیده. ایوب کسی بوده که تقاضا می‌کرده. ایوب سعی می‌کرده با سکوت یهوه کنار بیاید. و اکنون یهوه برای پاسخ دادن نمی‌آید؛ او برای پرسش می‌آید. خب، ایوب تمام سوالاتش را پرسیده بود، و حالا به اصطلاح هیچ سوالی روی میز نمانده بود. ایوب دستش را روی دهانش گذاشته بود. پس سوالاتش تمام شده بود. حالا یهوه قرار است از او سوال بپرسد.

زیر سوال بردن عدالت خدا توسط ایوب [۲:۳۱-۴:۳۷]

آیه هشتم بسیار مهم است. او می‌گوید: «آیا عدالت مرا بی‌اعتبار می‌کنی؟ آیا مرا محکوم می‌کنی تا خودت را تبرئه کنم؟» پس می‌توانیم ببینیم که اگر در سخنان ایوب واضح نبوده است، می‌توانیم ببینیم که ایوب عدالت خدا را

زیر سوال برده است. خود یهوه چنین می‌گوید. بنابراین دوباره به ما یادآوری می‌شود که ایوب در مورد اعتبار خدا عدالت را رعایت نکرده است. ایوب به هر اتفاقی که افتاده است واکنش خوبی نشان نداده است. ایوب حس خوبی نسبت به خدا ابراز نکرده است. بنابراین، در اینجا این موضوع کاملاً روشن شده است. و اکنون کاری که خدا انجام می‌دهد این است که ایوب را به چالش می‌کشد. «آیا بازویی مانند بازوی خدا داری، آیا صدایت می‌تواند مانند صدای او غرش کند؟ خود را با جلال و شکوه می‌آرای و خود را در عزت و عظمت می‌پوشانی. خشم خشم خود را رها کن.» گویی یهوه می‌گوید: «بسیار خوب، ایوب، سعی کن برای یک روز خدا باشی. آیا واقعاً فکر می‌کنی همه اینها را فهمیده‌ای که چگونه کار می‌کند؟ خب، بیایید ببینیم که همه اینها چقدر خوب کار می‌کند.» آیه ۱۲، «به همه کسانی که مغرورند نگاه کنید و آنها را فروتن سازید، شریران را در جایی که ایستاده‌اند، خرد کنید.» آیا فکر می‌کنید که این سیستم اینگونه کار می‌کند، عدالت به عنوان پایه؟ او می‌گوید: «اگر واقعاً بتوانید آن را انجام دهید، ارزش دیدن دارد».

اما حالا توجهش را به دو موجود، بهیموت و لویاتان، معطوف می‌کند. او ایوب را به خاطر اینکه عدالت خودش عدالت ایوب، را مبنایی برای زیر سوال بردن عدالت خدا می‌دانست، سرزنش کرد. او با لحنی بلیغ توانایی ایوب را در تحمیل عدالت بر جهان به چالش می‌کشد، درست است؟ ایوب فکر می‌کند که این کاری است که خدا انجام می‌دهد - اصل انتقام. خدا ایوب را به چالش می‌کشد تا عدالت را بر جهان تحمیل کند.

هویت بهیموت و لویاتان [۴:۳۷-۴:۴۴:۵]

و بنابراین، او این شخصیت‌های بهیموت و لویاتان را معرفی می‌کند تا به وضعیت مطلوبی که مردم باید داشته باشند، بپردازد. بیایید با صحبت در مورد هویت آنها شروع کنیم. آنها نه گونه‌های طبیعی شناخته شده‌ای هستند و نه گونه‌های منقرض شده. من قصد ندارم زیاد به جزئیات بپردازم، اما وقتی ویژگی‌های این موجودات را بررسی می‌کنیم، کاملاً واضح است. آنها به سادگی با هیچ چیزی که ما می‌شناسیم مطابقت ندارند. عنصری در لویاتان که تطبیق آن با هر گونه بیولوژیکی یا منقرض شده‌ای دشوار است، دمیدن آتش است. ما واقعاً کسی را نمی‌شناسیم که این کار را انجام دهد، موجودی که این کار را انجام دهد. و بنابراین، از این نظر، باید جای دیگری را جستجو کنیم.

موجودات آشوبناک [۵:۴۴-۱۱:۰۷]

من پیشنهاد می‌کنم که آنها موجودات آشوبناک هستند. موجودات آشوبناک یک دسته شناخته شده در خاور نزدیک باستان هستند و توسط مخاطبان باستانی بسیار بسیار به راحتی قابل تشخیص هستند. آنها دقیقاً در مورد موجودات آشوبناک می‌دانند. لویاتان یک موجود آشوبناک شناخته شده است، نه تنها در جاهای دیگر کتاب مقدس عبری، بلکه در متون اوگاریتی نیز.

، موجودات آشوب، موجوداتی آستانه‌ای هستند که در حاشیه‌ی جهان منظم، تقریباً مانند یک پا و یک پا بیرون از آن وجود دارند. آن‌ها موجوداتی اصیل هستند که ویژگی‌های انتزاعی آن‌ها با حیوانات شناخته‌شده مشترک است. این ایده که برخی افراد، ظاهری شبیه به اسب آبی در بهیموت یا ظاهری شبیه به یک کروکودیل در لویاتان دیده‌اند، تنها تا جایی پیش می‌رود که نشان می‌دهد اسب آبی یا کروکودیل، به نوعی، زاده‌ی بهیموت یا لویاتان هستند. هم‌نوعان آن‌ها، و نه اینکه بهیموت در واقع یک اسب آبی است یا لویاتان در واقع یک کروکودیل است. همانطور که گفتیم، دسته موجودات آشوبناک شامل موجوداتی است که در لبه مرز دیده شده‌اند، مانند کایوت یا جغد یا شترمرغ یا کفتار، و همچنین جانوران ترسناکی که فقط در تخیل دیده می‌شوند. هر دو نوع در این دسته از موجودات آشوبناک قرار دارند. گروه دوم، این جانوران ترسناک، کاملاً جانورشناسی نیستند. در واقع، آنها اغلب، موجوداتی مرکب هستند. بنابراین، سر شیر، بال‌های عقاب، موجوداتی شبیه گریفین یا ابوالهول. و بنابراین، موجودات آشوبناک اغلب مرکب هستند، اما نه همیشه.

موجودات آشوبناک به عنوان مخلوقات خدا در نظر گرفته می‌شوند. ما این را به ویژه در پیدایش ۱، موجودات بزرگ اقیانوسی و در ۱:۲۱ می‌بینیم. اما آنها نمایانگر پتانسیل ادامه بی‌نظمی هستند، مانند خارها و خارها در قلمرو کمتر منظم خارج از باغ. خارها و خارها گواهی بر بی‌نظمی هستند، با این حال آنها در جهانی تا حدی منظم قرار دارند.

وقتی خدا در مزمور ۱۰۴ درباره لویاتان صحبت می‌کند، لویاتان را برای تفریح ساخته است. وقتی در پیدایش به موجودات بزرگ دریایی اشاره می‌شود، آنها بخشی از خلقت خدا هستند. در واقع، پیدایش برمی‌گردد و ۱:۲۱ برای خلق استفاده می‌کند تا آن را به طور خاص به "bara" برای اولین بار در پیدایش ۱، از آیه ۱، از کلمه هیولاهای دریایی نسبت دهد، فقط برای اینکه روشن کند که آنها نیز بخشی از سیستم منظم هستند. بنابراین، به یک معنا، می‌توانیم آنها را موجودات ضد کیهان بنامیم. آنها به نوعی علیه کیهان کار می‌کنند، اما دقیقاً در قلمرو بی‌نظمی نیستند. آنها بخشی از جهان منظم هستند، اما به دلیل ماهیت بی‌ذهن خود به عنوان عوامل بی‌نظمی عمل می‌کنند. موجودات آشوب از نظر اخلاقی شرور نیستند، اما می‌توانند آسیب‌های جدی وارد کنند زیرا فقط بر اساس غریزه عمل می‌کنند.

بنابراین، از یک نظر، می‌توانیم آن را با تصورمان از یک گردباد مقایسه کنیم. از نظر اخلاقی شر نیست، اما می‌تواند آسیب‌های جدی وارد کند زیرا کاری را انجام می‌دهد که گردبادها انجام می‌دهند. بنابراین، موجودات آشوبگر دشمن خدا نیستند، اما می‌توانند در میان انسان‌ها ویرانی به بار آورند.

همانطور که دریا در قلمرو بی‌نظمی قرار دارد، توسط خداوند با مرزهای تعیین‌شده‌اش کنترل می‌شود. این موجودات به هیچ وجه اهلی نشده‌اند. با این حال، تحت کنترل خداوند هستند.

است و به قوی‌ترین حیوان خشکی‌زی قابل تصور اشاره دارد. این کلمه به "cattle" بهیموت در واقع جمع کلمه نوعی انتزاعی از حیوانات خشکی‌زی است.

لویاتان قوی‌ترین موجود دریایی قابل تصور خواهد بود. و بنابراین، متن از این‌ها برای توصیف موجودات آشوب استفاده می‌کند. و باز هم، اسب‌های آبی و کروکودیل‌ها قطعاً خطرناک هستند و می‌توان آن‌ها را به طور کلی به عنوان زایده یا نوچه‌های موجودات آشوب، مانند این‌ها، در نظر گرفت.

نقش بهیموت و لویاتان به عنوان شخصیت‌های ادبی [۱۲:۰۶-۱۱:۰۷]

حال، با توجه به این نکته، باید اذعان کنیم که هویت این موجودات به اندازه شناخت نقش ادبی آنها به عنوان شخصیت‌های کتاب مهم نیست. مخاطبان باستانی بهیموت و لویاتان را می‌شناختند. آنها هویت‌هایی مرتبط با آنها داشتند. اما صرف نظر از این، بهیموت و لویاتان توسط نویسنده کتاب به عنوان شخصیت، شخصیت‌های ادبی که نقش و هدفی در کتاب دارند، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اگر قرار است پیام معتبر کتاب را با استفاده از این شخصیت‌های ادبی درک کنیم، باید فراتر از جنجال‌های هویت به چگونگی استفاده از آنها نگاه کنیم.

موجودات آشوبناک در جای دیگری از کتاب ایوب [۱۴:۰۸-۱۲:۰۶]

در کتاب بارها به موجودات آشوبناک اشاره شده است. بنابراین، با خواندن کتاب، ما قبلاً آنها را دیده‌ایم. مرثیه ایوب در فصل سوم از کسانی صحبت می‌کند که آماده بودند تا لویاتان را در 3: 8 شکست دهند. اولین پاسخ ایوب به الیفاز این است که چرا خدا با او مانند یک موجود آشوبناک رفتار می‌کند. این در 7: 12 است. در آنجا او از کلمه عبری □□□□ □□□□□□□□ که همان کلمه عبری در پیدایش 1: 21 است. ایوب احساس می‌کند که با او مانند یک موجود آشوبناک رفتار می‌شود زیرا خدا او را تحت مراقبت دارد. حال این با آنچه ما در خاور نزدیک باستان می‌دانیم مطابقت دارد. خدایان در خاور نزدیک باستان به این معروف بودند که موجودات آشوبناک تا حدی رام شده را به بند می‌کشیدند و از آنها برای اهداف خود استفاده می‌کردند، حتی اگر آنها نمایانگر این قلمرو بی‌نظمی بودند. بنابراین، ایوب می‌گوید که خود خدا در فصل 30، آیات 15 تا 23 مانند یک موجود آشوبناک عمل می‌کند.

خدا با ایوب به اندازه‌ای که از او می‌خواهد نقش بهیموت را بازی کند، مانند یک موجود آشوبگر رفتار نمی‌کند. خدا مانند یک موجود آشوبگر رفتار نمی‌کند. در عوض، او بسیار برتر از لویاتان است و باید به همین عنوان شناخته شود. به نظر من، این نشان می‌دهد که چگونه از بهیموت و لویاتان در متن استفاده شده است. باز هم، ایوب خدا را به رفتار مانند یک موجود آشوبگر متهم کرده است، و خدا می‌گوید: "اوه، نه، از این هم بدتر است. از این هم بزرگتر است." و بنابراین، ما می‌خواهیم این را با مشاهده آنچه گفته می‌شود، برای خود توضیح دهیم. ما باید بهیموت و لویاتان را نه به خاطر هویتشان، بلکه به خاطر نقش ادبی‌شان تحلیل کنیم.

مقایسه بهیموت و ایوب [۱۶:۰۸-۱۴:۰۸]

«بنابر این، وقتی به فصل ۴۰، آیه ۱۵ می‌رسیم، خدا توجه ایوب را به بهیموت جلب می‌کند. «به بهیموت نگاه کن و سپس به سطر بعدی توجه کنید. «به بهیموت نگاه کن، که من آن را با تو آفریدم.» ایوب و بهیموت در یک گروه قرار گرفته‌اند. خدا هر دو را آفریده است. جالب است که وقتی به آن بخش کوتاه مربوط به بهیموت نگاه می‌کنیم، از آیه ۲۴، یعنی ۱۵ تا ۲۴، می‌گذرد. یهوه از ایوب یا خودش به عنوان کسی که کاری با بهیموت انجام می‌دهد صحبت نمی‌کند. در آیه ۱۵، بهیموت راضی و سیر است، همانطور که ایوب بوده است. به یاد دارید که ۱۵، مقایسه را معرفی کرد. بنابر این، بهیموت راضی و سیر است، همانطور که ایوب بوده است. در آیات ۱۶ تا ۱۸، خدا بهیموت را همانطور که ایوب را ساخته بود، قوی ساخت. در آیه ۴۰، آیه ۱۹، بهیموت در میان نوع خود مانند ایوب، در رتبه اول قرار دارد. این موضوع در آیه ۱۵: ۷ مشخص شد. در آیه ۲۰، بهیموت مانند ایوب مورد مراقبت قرار می‌گیرد. در آیات ۲۱ تا ۲۲ از فصل ۴۰، بهیموت مانند ایوب پناه داده می‌شود. در آیه ۲۳، اکنون در حال گذار به ۲۳ و ۲۴ است، پایان بخش بهیموت. در آیه ۲۳، بهیموت از رودخانه خروشان نگران نیست استنباط یا تلویح بیشتر است، و شما نیز نباید باشید. او اعتماد دارد و در امان است، همانطور که شما باید باشید. او را نمی‌توان اسیر یا به دام انداخت، که شما نیز باید در برابر آن آسیب‌ناپذیر باشید و خود را مقاوم نشان داده باشید. آیه ۲۴ در مورد «آیا کسی می‌تواند آن را با چشم اسیر کند، یا آن را به دام بیندازد و بینی‌اش را سوراخ کند؟» کلمه بینی "کلمه خشم است." و نمی‌تواند سوراخ شود" صحبت می‌کند. این کلمه در متن دشوار است؛ گاهی اوقات به "معنای "نامگذاری شده" یا "تعیین شده" یا "نفوذ یافته" است. بنابر این دوباره، ایده اینجاست که شما باید در برابر آن آسیب‌ناپذیر باشید.

بهیموت با ایوب مقایسه می‌شود. این دقیقاً در آیه اول معرفی شده است. پس از آن هر چیزی که در مورد بهیموت می‌خوانیم، باید آن را با ایوب مقایسه کنیم. این بخش به این صورت کار می‌کند. پس ایوب باید مانند بهیموت باشد به یاد داشته باشید که ایوب شکایت کرده بود: «شما با من مانند یک موجود آشوبگر رفتار می‌کنید.» در اینجا، در این سخنرانی آمده است: «خب، شما باید در این مورد کمی بیشتر شبیه یک موجود آشوبگر باشید.» به این موضوع باز خواهیم گشت.

یهوه از لویاتان بزرگتر است [۱۶:۰۸-۲۲:۴۴]

بیا بید به لویاتان بپردازیم. بخش طولانی‌تری است، و دوباره به آنچه می‌گویید و آنچه نمی‌گویید توجه می‌کنیم. هشت آیه اول از شکل دوم شخص استفاده می‌کنند. «آیا می‌توانی این کار را بکنی؟ آیا می‌توانی آن کار را بکنی؟» به شکل دوم شخص است. تمرکز بر آنچه ایوب می‌تواند و نمی‌تواند با لویاتان انجام دهد.

با کمی، بیشتر از کمی به این ایده فکر می‌کنم: اگر نمی‌توانید این کارها را با لویاتان انجام دهید، آن را با قلاب ماهیگیری بکشید، زبانش را ببندید، طنابی از بینی‌اش عبور دهید، باشه. آیا التماس ترحم خواهد کرد؟ آیا با شما مهربان خواهد بود؟ آیا می‌توانید با آن به توافق برسید؟ آیا می‌توانید او را نوازش کنید؟ اگر این کار را با لویاتان نمی‌کنید، چرا انتظار دارید این کار را با یهوه انجام دهید؟ چرا انتظار دارید او را به دام بیندازید؟ زبانش را ببندید با او به توافق برسید و او را اهلی کنید. چرا این کار را می‌کنید؟

تغییر به دوم شخص نشان می‌دهد که لویاتان باید با یهوه مقایسه شود. بنابراین، ۴۱:۳، «آیا همچنان از تو طلب رحمت خواهد کرد؟» این همان چیزی است که ایوب از خدا می‌خواست انجام دهد. آیات ۱۰ و ۱۱، «هیچ‌کس آنقدر وحشی نیست که آن را برانگیزد. پس کیست که بتواند در برابر من بایستد؟ کیست که از من ادعایی دارد که باید بپردازم؟» خود یهوه ارتباط بین خود و لویاتان را ترسیم می‌کند. نه آنقدر که او شبیه لویاتان باشد، بلکه آنقدر که او بسیار بزرگتر از لویاتان است. اگر نمی‌توانید با لویاتان اینگونه رفتار کنید، چرا فکر می‌کنید که می‌توانید با یهوه اینگونه رفتار کنید؟

این بخش هرگز در مورد آنچه خدا با لویاتان انجام می‌دهد صحبت نمی‌کند. با این حال بسیاری از مفسران در این مسیر گام برداشته‌اند. این بخش در مورد کنترل یهوه بر لویاتان صحبت نمی‌کند. در مورد شکست دادن لویاتان توسط یهوه صحبت نمی‌کند. ما در اینجا نوع متفاوتی از بیان را داریم.

در فصل ۴۱، همانطور که از این اطلاعات عبور می‌کنیم، لویاتان را نمی‌توان کنترل کرد، و یهوه را نیز نمی‌توان کنترل کرد. لویاتان تسلیم نمی‌شود و التماس رحمت نمی‌کند؛ یهوه هم همینطور. لویاتان را نمی‌توان زخمی یا مطیع کرد. مبارزه با او بی‌فایده است. همین امر در مورد یهوه نیز صادق است.

ما مقایسه‌ی آشکار را در آیات ۱۰ و ۱۱ خواندیم؛ هیچ‌کس، از جمله شما، ادعایی علیه من، ایوب، ندارد. در آیات ۱۸، شما نمی‌توانید دهان او را به زور باز کنید تا افسار را دریافت کنید. آیا متوجه شدید؟ ایوب سعی در ۱۲ انجام چه کاری داشته است؟ او سعی داشته است یهوه را مهار و افسار کند. یهوه را نمی‌توان کنترل یا رام کرد. او رام شدنی نیست. از آیات ۱۹ تا ۲۵، لویاتان وقتی خشمگین می‌شود خطرناک است، همانطور که یهوه است. از آیات ۲۶ تا ۳۲، لویاتان آسیب‌ناپذیر است، همانطور که یهوه است. آیه ۳۳، هیچ موجودی با او برابر نیست. البته این نشان می‌دهد که ایوب با لویاتان برابر نیست، چه برسد به اینکه با یهوه برابر باشد. آیه ۳۴، لویاتان بر همه کسانی که مغرور هستند تسلط دارد. این را با ابتدای این سخنرانی در آیات ۱۱ تا ۱۴ مقایسه کنید، جایی که خدا به ایوب می‌گوید، می‌دانی، خودت را مسلح کن، بر کسانی که شریر هستند مسلط شو. این لویاتان است که بر همه متکبران تسلط دارد. ایوب نمی‌تواند متکبران را فروتن کند (فصل ۴۰، آیات ۱۱ و ۱۲). همچنین نمی‌تواند پادشاه را بر متکبران مسلط کند (فصل ۴۱، آیه ۳۴). خدا نیز به این معنا پادشاه متکبران است. او بر آنها حکومت

می‌کند. همه اینها در مورد کارهایی است که ایوب نمی‌تواند با لویاتان انجام دهد. اینها همچنین کارهایی هستند که ایوب باید یاد بگیرد که نمی‌تواند با یهوه انجام دهد. بنابراین، آنچه ایوب باید یاد بگیرد، و چیزی است که همه ما باید یاد بگیریم، این است که ما نمی‌توانیم خدا را رام کنیم.

نقش موجودات آشوبناک در پیام کتاب [۲۴:۱۹-۲۲:۴۴]

بنابراین، نقش این موجودات در پیام کتاب، اول از همه، آنها به عنوان تجسم شر کیهانی به تصویر کشیده نشده‌اند. یکی از مفسران حتی گفته است که آنها معادل چلنجر در ابتدای کتاب هستند. من آن را تقریباً کاملاً برعکس آن می‌بینم. هیچ موجودی به عنوان شر توصیف نشده است، هیچ موجودی نمایانگر □□□□□□□□، چلنجر، نیست و نقش یا جایگاه چلنجر را از فصل‌های اولیه به عهده نمی‌گیرد. آنها به گونه‌ای توصیف نشده‌اند که بتوانند به عنوان گواهی بر توانایی خدا در مهار تهدیدات برای نظم در جهان و برقراری عدالت کیهانی عمل کنند. متن به هیچ وجه با آنها اینگونه رفتار نمی‌کند. آنها را اینگونه معرفی نمی‌کند. هیچ اشاره‌ای به مطیع کردن آنها توسط خدا نشده است. بنابراین، چگونه آنها می‌توانند به عنوان گواهی بر مطیع کردن خدا، بدون نظم، باشند؟ ما باید به آنچه متن می‌گوید، عمل کنیم. عدالت کیهانی نه معلق است و نه نتیجه آنچه گفته می‌شود یهوه انجام می‌دهد. این کتاب ادعا نمی‌کند که خدا عدالت را نه برای کیهان به طور کلی و نه برای تجربه انسانی به ارمغان می‌آورد. این کتاب چنین ادعایی ندارد. این ادعایی است که ایوب و دوستانش می‌خواستند. از طریق اصل انتقام مطرح کنند.

نه در مورد عدالت [۲۴:۵۲-۲۴:۱۹]

اولین سخنرانی یهوه نشان داد که ایوب چگونه نباید فکر کند. سخنرانی دوم نشان می‌دهد که ایوب چگونه باید فکر کند. در هیچ یک از این دو سخنرانی، یهوه به عدالت ایوب یا عدالت خودش اشاره نمی‌کند. این سخنرانی نزدیک‌ترین پیام صریح به ما را در خود جای داده است، همان چیزی که از سخنرانی اوج یهوه انتظار داریم.

انسان‌ها باید مانند بهیموت اعتماد کنند [۲۵:۴۷-۲۴:۵۲]

نکته‌ای که در مورد بهیموت مطرح شد، مربوط به پایداری آن در آب‌های خروشان است. بهیموت درستکار نیست. لویاتان عادل نیست. بهیموت را نمی‌توان تکان داد. لویاتان را نمی‌توان به چالش کشید. یهوه آنها را شکست نمی‌دهد یا مهار نمی‌کند تا برتری خود را بر آنها نشان دهد. آنها به عنوان مثال‌هایی استفاده می‌شوند که انسان‌ها می‌توانند از آنها درس‌های مهمی بیاموزند. انسان‌ها باید با امنیت و اعتماد به رودخانه‌های خروشان واکنش نشان دهند، همانطور که بهیموت در این ارائه ادبی انجام می‌دهد.

انسان‌ها نباید فکر کنند که می‌توانند یهوه را رام کنند یا به چالش بکشند، زیرا نمی‌توانند لویاتان را که از یهوه بیست‌تر است، به چالش بکشند یا رام کنند.

انسان‌ها نمی‌توانند لویاتان یا خدا را رام کنند؛ پاسخ ایوب [۲۷:۱۰-۴۷:۲۷]

پاسخ دوم ایوب در فصل ۴۲، آیات دو تا شش، نشان می‌دهد که او نکات مورد نظر یهوه را درک می‌کند. من آن را سریع می‌خوانم. «می‌دانم که تو بر هر کاری قادری؛ هیچ هدفی از تو را نمی‌توان خنثی کرد.» باز هم، این بدان معناست که ایوب نمی‌تواند او را رام کند یا او را برای اهداف خود ایوب اهلی کند. «پرسیدی: این کیست که نقشه‌های مرا بدون دانش مبهم می‌کند؟» به مبهم کردن نقشه‌های خدا در اینجا توجه کنید؛ ایوب نقشه‌های خدا را مبهم کرد زیرا اشاره کرد که نقشه‌های خدا اجرای اصل انتقام برای نظم بخشیدن به کیهان بر اساس عدالت است. این به نقشه‌های خدا اشاره دارد. چه کسی نقشه‌های خدا را بدون دانش مبهم می‌کند. «مطمئناً من از چیزهایی صحبت کردم که نمی‌فهمیدم، چیزهایی که برای من بسیار شگفت‌انگیز بودند تا بدانم.» اساساً شگفت‌انگیز بودن فراتر از سطح حقوق بشر است. شما نمی‌توانید آن را درک کنید.

ایوب توبه می‌کند و تسلیم می‌شود [۲۷:۱۰-۴۷:۳۰]

تو گفتی: 'اکنون بشنو، و من سخن خواهم گفت؛ از تو خواهم پرسید، و تو به من پاسخ خواهی داد.' گوش‌هایم درباره تو شنیده بودند، اما اکنون چشمانم تو را دیده‌اند. از این رو، از خود بیزار هستم و در خاک و خاکستر توبه می‌کنم.» باز هم، از نظر من، این نشان می‌دهد که او اذعان می‌کند که در آنچه فکر می‌کرد می‌داند، گستاخ بوده است. او توبه می‌کند و تسلیم می‌شود. این مانند اولین پاسخ او نیست که فقط گفت، من حرفم تمام شده است. او توبه می‌کند و تسلیم می‌شود.

کلمه عبری در اینجا به معنای «بیش از حد شگفت‌انگیز برای من»، چیزهایی است که نمی‌دانستم. کلمه عبری □□□ به اطلاعاتی در قلمرو الهی اشاره دارد که فراتر از درک انسان است.

در مورد کلمه «توبه». بیابید کمی در مورد آن صحبت کنیم. در آیه ششم آمده است: «در خاک و خاکستر توبه کنید». این شکل نیفال فعل است. این کلمه از کلمات دیگری که می‌توانند به عنوان «توبه» ترجمه شوند، متمایز □□□، به معنای بازگشت، تغییر جهت، تغییر *shuv* است. الیفاز او را به توبه ترغیب کرده بود. این کلمه رفتار. در اینجا ایوب تغییر رفتار را پیشنهاد نمی‌کند، بلکه می‌خواهد گفته‌های قبلی خود را پس بگیرد. او از همان شکل فعلی استفاده می‌کند که وقتی خدا نظر خود را تغییر می‌دهد در جاهایی مانند خروج ۳۲:۱۴، ارمیا ۴:۲۸، ارمیا ۱۸:۱۰، یوئیل ۲:۱۳ و یونس ۳:۱۰ استفاده می‌شود. بنابراین، همه این‌ها بخش‌های جذابی هستند که متأسفانه نمی‌توانیم وقت خود را صرف پرداختن به آنها کنیم.

بسیاری از وقایع آن در موقعیت‌هایی اتفاق می‌افتد که شامل پشیمانی می‌شود. این ابراز پشیمانی است. در گفته‌های ایوب، او از گفته‌های قبلی خود پشیمان است. توصیف او از خدا، باوری متکبرانه به درک خودش و چالش‌های متکبرانه‌اش است. اینگونه است که می‌توانیم پشیمانی ایوب را درک کنیم. مانند اینجا استفاده می‌شود «*al*» این عبارت در اینجا مسائل دیگری را نیز مطرح می‌کند. وقتی با حرف اضافه معمولاً به معنای بازنگری در چیزی یا اغلب، به معنای فراموش کردن چیزی از ذهن است. در این آیه، می‌توانیم بگوییم که این چیزی است که او از ذهنش بیرون می‌کند. این خاک و خاکستر است؛ این چیزی است که می‌گوید □□□□ □□□□ □□□□ . بنابراین، او این خاک و خاکستر را «*al*» - «می‌گوید که او، خب، می‌گوید،» از ذهنش بیرون می‌کند. این توبه با خاک و خاکستر نیست. اینجا حرف اضافه این نیست. بلکه، او کل ماجرای خاک و خاکستر را دوباره بررسی می‌کند و خاک و خاکستر را از ذهنش بیرون می‌کند. بنابراین او پایان سوگواری خود را اعلام کرده و واقعیت خود را پذیرفته است.

اهمیت بهیموت و لویاتان [31:29-30:47]

بنابر این می‌توانیم ببینیم که بهیموت و لویاتان شخصیت‌های بسیار مهمی در شکل‌گیری کتاب هستند. این کتاب درباره اسب‌های آبی و کروکودیل‌ها نیست. درباره دایناسورها هم نیست. این کتاب درباره اسطوره‌شناسی یا چیزهایی از این قبیل نیست. هرچند که آنها موجوداتی آشوبناک هستند، اما در واقع حتی درباره موجودات آشوبناک هم نیست. این کتاب درباره نحوه به تصویر کشیدن این موجودات و پیامی است که این به ایوب و همه ما که کتاب را می‌خوانیم، می‌دهد. و ما در ادامه به این مسائل خواهیم پرداخت.

این جان‌التون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۲، گفتار خدا ۲، بهیموت و لویاتان، و پاسخ ایوب است، ایوب ۴۰:۶-۴۱:۳۴. [۳۱:۲۹]